

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سیدهاشم سدید
۳۰ مارچ ۲۰۱۶

توضیح چند مطلب ضروری

نقد عالمانه آقای عالم افتخار را در ارتباط با مقاله "تلاش های روشنفکران دینی قطعاً حلال مشکلات مردم نیست" خواندم. برآستی یک سری حرف ها آنگونه که باید با شرح کامل بیان می شد، بیان نشده است و به همین دلیل ناگزیرم از یک طرف از خوانندگانی که نتوانسته اند از آن مقاله نارسا چیزی بفهمند بپوزش بخواهم، و از جانب دیگر چند نکته ضروری را برای درک بیشتر نیت خویش ذیلاً ابراز کنم:

۱- شاید بهتر بود به جای کلمه "قطعاً" کلمه "قطعی" را به کار می بردم. شکی نیست که تلاش های روشنفکران دین در راستای حل یک سری مشکلات ما در خصوص دین رهنمود های با ارزشی هستند که می توانند ما را در جهت درک خیلی از مسائل دینی قابل بحث و فحص و قابل دقت کمک کند.

در واقع کارهای قابل قدر همین روشنفکران دینی بوده که ما را در جهت نقد از دین سوق داده است. اما کلمه قطعی، به معنی صد در صد، می تواند صد در صد درست باشد، زیرا کار روشنفکر دینی، همانگونه که از نامش پیداست، کار پیرامون توضیح دگراندیشانه دین از درون دین و برای حفظ و بقای دین است؛ چیزی که من آن را در غایت و به صورت قطعی حلال مشکلات ما که تقریباً به صورت کل از ناحیه دین منشاء می گیرد، نمی دانم.

روشنفکر دینی روشنفکر به معنی اصلی کلمه نیست. روشنفکر غیر دینی دین را از بیرون، بدون این که دغدغه دین داشته باشد، مانند روشنفکر دینی، یا خود را پابند دین بداند، با شناخت دقیقی که از ماهیت دین به عنوان تفکری ساخته ذهن بشر دارد، مورد نقد قرار می دهد، و هرگز قصد آن را ندارد که کماکان مردم را مقتون و شیفته دین سازد و در زنجیر تفکرات دین برای ابد گرفتار کند.

از همین جاست که طی آن مقاله از مردم دعوت به عمل آمد که کار را در محدوده کار روشنفکران دینی تعیین و محصور نکنند و بکوشند که مستقیماً به اصل منبع و اندیشه دینی توجهی منتقدانه مبذول بدارند.

همه می دانیم که از پیدایش دین تا امروز هزاران مفسر به قصد قابل قبول ساختن بسیاری از سخنان و مطالب دین، از دین تفسیرهای گونه گونه گون کرده اند، اما هیچ یک از این مفسرین نتوانسته اند با تفسیر های خویش قناعت انسانان صاحب خرد را فراهم کنند. چرا؟ چون اساس سخن قابل توجیه نیست!

به همین دلیل است که من می گویم بعد از یک آموزش مقدماتی از همین روشنفکران دینی به تحلیل خودِ تفکر دینی، نه تفسیر و نظر و باور این یا آن ملا و مولوی و...، یا اکتفاء به گفته های برخی از روشنفکران دینی، پردازند. زیرا تا این تفکر در اصل و از اساس نقد نشود، هیچ چیزی در زندگی عوض نمی شود.

بنابراین هر انسان خردمندی که شایق تغییر در سبک زندگی مجموعه انسان های این سرزمین، یک بار و برای همیشه است، به نظر من، در قدم اول باید به برهم زدن اساس بنای دین پردازد.

کار روشنفکران دینی براندازی این بنا نیست. دلیل کاربرد کلمه قطعی - به جای قاطعانه - هم همین است. کسانی که به گونه دیگر فکر می کنند هم حق دارند همانگونه فکر کنند، منتها نظر من همین است که گفته شد.

۲- من نظر جناب داکتر سها را تأیید می کنم. نوشته من متوجه کتاب ایشان نیست، زیرا کتاب ایشان نقد به معنی بنیادین کلمه است، نه به اصلاح "سیم گل" کردن بنای از ریخت افتاده دین. جناب دکتر سها روشنفکر دینی نیستند، بلکه روشنفکر غیردینی، یا روشنفکر به معنی واقعی کلمه هستند که در صدد توضیح این مطلب هستند که دین را به هیچ صورت نمی توان اساس تفکر خویش برای شناخت هستی قرار داد.

۳- من باور به محال بودن هیچ کاری ندارم؛ اما به زمان بر بودن کارها، به نسبت سنگینی آن ها باور دارم. ولی به این هم باور دارم که سنگینی یک کار نباید سبب عقب نشینی انسان از انجام آن کار گردد.

کار در این راستا دشوار و خطیر است، اما دشوارتر و خطیرتر از کار روشنفکرانی مانند ولتر و دیگران، و کار روشنفکری و روشنگری در دوران تاریک و وحشتناک قرون وسطا نخواهد بود.

۴- به فکر من از بشر دم بریده هر کاری ساخته است. همین انسان ظاهراً ضعیف هم کوه ها را از سر راه خویش برداشته است، هم دریا ها را مهار کرده است، هم بدون بالون آکسیجن به کوه همالیا برآمده است، هم به فضا و مهتاب رفته است و هم دست به ساختن پیچیده ترین دست آورد های انسانی - تکنولوژی مخابراتی با ده ها عملیه مختلف - به شکل موفقانه زده است. آخر کارش هم هنوز معلوم نیست!

با سوراخ کردن این کوه عظیم، به قول آقای عالم افتخار با کندن تونل، زمین های خشک ذهن انسان های سرزمین ما سیراب نمی شوند. باید همه کوه را برداشت، با همه بزرگی آن! آغاز آن با همین قلم های شکسته زبینه خواهد بود!!

۲۰۱۶/۳/۲۹